

پیامبر و حقوق بشر

بازکاوی حقوق بشر در پیمان‌نامه‌ی پیامبر با مسیحیان نجران

حقوق بشر از مقولاتی است که امروزه در رویکردهای ابزارگرایانه‌ی سیاست‌گران دنیای معاصر، حتی نقض آن به بهانه‌ی دفاع از آن توجیه می‌شود. به سخنی دیگر، برخورد ابزاری با حقوق بشر، موجب آن شده است که آنچه دفاع و حمایت از حقوق بشر نامیده می‌شود، به نقض سیستماتیک و گسترده‌ی آن بیانجامد. تعامل پارادوکسیکال و متناقض‌نمای قدرتهای برتر دنیای امروز با حقوق بشر و ابزارانگاری آن برای راه یافتن به سرزمین‌های دیگر به منظور توسعه‌ی متصرفات سیاسی و هژمونیک و دست یافتن به اهداف راهبردی و استراتژیک خود، مسبب پشت کردن به همان چیزی شده است که جایگاه آن در سیاست ورزی معاصر، فراتر از موازین و آموزه‌های آسمانی وحی در همه‌ی ادیان قرار داده شده است .

افزون بر استفاده‌ی ابزاری از حقوق بشر در دنیای امروز و با آنکه مبانی معرفتی این ارزش سیاسی - فرهنگی غرب از منظر بنیادهای معرفتی اسلام با عمیق‌ترین و مستدل‌ترین ایستارهای علمی قابل نقد است؛ اما در این مجال، از آن جهت که این مهم را از منظر رویکردهای عملی حضرت پیامبر خاتم مورد مطالعه قرار می‌دهیم، نقد حقوق بشر غربی در ترازوی نگره‌های اسلامی به این مقوله را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم .

برای تبیین باورمندی پیامبر اسلام به حقوق انسان و التزام عملی او بدان، بهترین مستند و مستمسکی که ما در اختیار داریم؛ برخوردهای ایشان با دشمنان خود مخصوصاً در مواقع غلبه بر آنان و به صورت مستندتر، مکاتیبی است که تاریخ از رسول گرامی اسلام به یادگار گذاشته است. براساس منابع تاریخی، 185 مکتوب (1) از پیامبر اسلام (ص) در اختیار پژوهندگان تاریخ قرار دارد. مکتوبات پیامبر که شامل پیمان نامه‌ها، دعوت فرمان روایان و

رؤسای قبایل عرب و غیر عرب به اسلام، فرمان‌های حکومتی، ارشادنامه‌ها، امان نامه‌ها و برخی مکتوبات دیگر است، اخلاق سیاسی و اجتماعی پیامبر را برای انسان امروز در عالیترین وجه آن به تصویر می‌کشد. اهمیت این نامه‌ها در برجسته بودن تعهدات حقوقی و سیاسی پیامبر اسلام در برابر افراد و قبایلی است که مواجهه‌ی با او را در دستور کار رویکردهای دینی - سیاسی خود قرار داده‌اند؛ اگرچه در برخی از متون مکتوبات پیامبر (ص) ارشادات اخلاقی و حتی تبیین جهان بینی اسلامی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه به تفاوت لحن و شیوه‌ی برخورد ایشان در نامه‌هایی که به پادشاهان مسیحی همچون «مقوقس» و «هرقل» نوشته و در آن به آیه‌ی مشهور «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا و لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» (2)؛ با نامه‌ی ایشان به کسانی همچون «خسرو پرویز» که پیامبر لحنی متفاوت را در برخورد با این پادشاه برمی‌گزیند؛ می‌توان اشاره کرد .

واکاوی نقادانه و حلاجی موشکافانه‌ی این مکتوبات، سیره و سنت رسول گرامی اسلام را در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی و حقوقی، برای ما به روشنی تبیین می‌کند و به عنوان منبعی الهام بخش برای تدوین پیمان‌های حقوقی جهان اسلام در تمامی ابعاد آن از یک سو و ارائه‌ی آن به سازمان‌ها و نهادهای حقوقی و سیاسی جهان امروز از سوی دیگر، الگوی انسان امروز، به عنوان قربانی اصلی نظام حاکم سیاسی - حقوقی جهان تواند بود .

باید توجه داشت که متفکران و روشنفکران متعهد و رسالتمند دنیای اسلام در استخراج و استنباط موازین پیشرفته و مدرن حقوق بشر در اسلام، با استناد به سنت و سیره‌ی عملی پیامبر اعظم (ص) مسؤولیتی بزرگ و چندبرابر دارند و بایستی با تحقیق در منابع و مبادی معرفتی اسلام و تطبیق یافته‌های خود در معادلات سیاسی - حقوقی دنیای معاصر، هم مایه‌ی پویایی و پایایی معرفت و تفکر انسانی اسلام شوند و هم محک و معیاری در جهت تصحیح و تنقیح موازین حقوقی امروز، فراراه مدعیان حمایت از حقوق و حیات انسان عرضه کنند. پرواضح است که پژوهش در متون دینی اسلام و شناوری در اعماق اقیانوس معارف اسلامی؛ نباید به منظور استحاله و تحویل و تبدیل موازین حقوقی اسلام به نمادها و ارزش‌های غربی - آنچنانکه از سوی برخی از عناصر و حلقات

غرب زده‌ی مغلوب فرآورده‌های فرهنگی - تکنولوژیک غرب صورت می‌گیرد - انجام شود. حتی فراتر از این، بوق و کرناهای رسانه‌ای - تبلیغاتی غرب نیز نباید برانگیزنده‌ی آنان برای پژوهندگی در این حوزه قرار گیرد؛ بلکه هدف، تدوین مانیفست حقوقی اسلام با رویکرد توجه به حقوق و تکالیف انسان، به صورت همزمان و در هردو بعد مکمل شأن و شخصیت او در دنیای امروز باشد. چیزی که برچسب دنباله روی مسلمانان از غرب را نیز منتفی می‌سازد .

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به صورت نامتوازن و یکجانبه‌ای «حق» را بر «تکلیف» ترجیح داده و انسان را سبکدوش از مسؤولیت‌های وجودی خود ساخته است. این درحالی است که اسلام «حق» و «تکلیف» را دوشادوش و پایاپای همدیگر و به صورت توأمان و تفکیک ناپذیر از هم مطرح کرده و هردو را در کنار همدیگر و موازی و محاذی هم بر دوش انسان می‌گذارد .

شاکله‌ی وجودی انسان در کارگاه خلقت به گونه‌ای طراحی و مهندسی شده است که تا «تکلیف» خود را در برابر خدا و دیگران نشناسد، قادر به درک مفهوم و معنای ذاتی «حقوق» خویش نخواهد بود؛ زیرا ادراک حقوق، منوط به رعایت حدود است و رعایت حدود مشروط به برخورداری از حقوق. چه، در جهان بینی توحیدی اسلام، حدود و تکالیف، عامل رسیدن انسان به حقوق خویش است، نه اینکه تکلیف، چیزی در مقابل حقوق و یا مانع انسان از رسیدن به آن باشد .

برای آنکه موضوعات فوق را با استناد به سیره‌ی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) تبیین نماییم، از میان نامه‌ها و پیمان نامه‌های آن حضرت، تنها پیمان با مسیحیان نجران را به عنوان نمونه‌ای از اهمیت حقوق بشر در منظر پیامبر بزرگ اسلام برگزیده‌ایم .

این پیمان نامه که متن آن در «خراج» ابویوسف، «خراج» ابوعبید، «فتوح البلدان» بلاذری، «زادالمعاد» ابن قیم، «امتاع» مقریزی، «وثائق السیاسیة الیمنیه» محمد بن اکوع حوالی، «سنن ابی داوود»، «تاریخ یعقوبی» و دیگر

منابع اسلامی آمده است؛ در سال نهم هجرت و پس از واقعه‌ی مشهور مباحله (3) میان پیامبر اسلام و مسیحیان نجران - منطقه‌ای با هفتاد دهکده در مرز میان حجاز و یمن - امضا شده و گواهی روشن از اصول حاکم بر اخلاق سیاسی - حقوقی پیامبر در رعایت حقوق بشر شمرده می‌شود .

در این پیمان نامه، مسیحیان نجران در قبال تأمین امنیت و حفاظت از اموال و دارایی‌های خود، ملتزم به پرداخت مبلغی به عنوان جزیه می‌شوند؛ اما در مقابل، پیامبر در نمونه‌ای بی‌نظیری از رحمت و عدالت اسلامی، به تضمین حقوق متقابل مردم نجران تعهد می‌کند. در بند اول این پیمان نامه تصریح شده است که مسیحیان نجران، به دلیل آنکه در جریان مباحله، از ادامه‌ی آن منصرف شده و حکم در مورد میوه‌ها، زر و سیم و بردگان خود را به پیامبر واگذارند، پیامبر همه را به ایشان می‌بخشد و تنها به وضع مالیاتی اندک (آن هم نه به دلیل مغلوبیت نجرانیان، بلکه به خاطر تعهداتی که در بندهای بعدی پیمان نامه مبنی بر تأمین جان و تضمین مال آنان می‌کنند) بسنده می‌نماید .

بخش‌های مهم این پیمان نامه در جهت حفظ حقوق مردم نجران، شامل موارد زیر است :

الف- پیامبر متعهد می‌شود در صورت نابودی یا آسیب دیدن اموال جنگی نجرانیان که به صورت امانت به سپاه اسلام و برای غلبه بر فتنه‌های محلی به آنان سپرده شده است؛ توسط فرستادگان و نمایندگان آن حضرت جبران شود: «و به عهده‌ی ایشان - نجرانیان - است که چون در یمن درگیری و عذر و مکرری پیش آید، به مسلمانان، سی زره و سی اسپ و سی شتر عاریه دهند و هرچه از آن زرها و اسپ و شترها و کالاهای دیگر نابود شود، فرستادگان و نمایندگان من ضامن خواهند بود که به ایشان بپردازند.» (4)

ب- پیامبر حقوق مردم نجران را در حفظ معتقدات آیینی خود، امنیت جان و پاسداشت مالشان به رسمیت می‌شناسد؛ به گونه‌ای که پناه و عهد خداوند و نیز پیمان خود را، پناهگاه جان و مال و آیین مردم نجران قرار می‌دهد. این درحالی است که حقانیت رسالت پیامبر در جریان مباحله، برای سران مسیحی نجران آشکار شده و

پیامبر در موقعیت یک فاتح و غالب، می‌توانست از این پیروزی بزرگ، بیشترین بهره را در تحمیل دین خود بر مسیحیان نجران ببرد. «و برای مردم نجران و اطراف آن پناه و عهد خداوند و پیمان محمد رسول خدا در مورد جان و اموال و آیین ایشان و در مورد غایب و شاهد و عشیره و پرستشگاه‌ها و آنچه از کم و بیش در اختیار ایشان است خواهد بود.»

ج- پیامبر، حق راهبان و کاهنان و کشیشان مسیحی را در برخورداری از مقام راهبی و کشیشی خود به رسمیت شناخته و تصریح می‌نماید که اینان همچنان بر سر کار خود باقی مانده و از آن برکنار نخواهند شد: «هیچ اسقف و راهب و کاهنی از شغل و مقام خود برکنار نخواهد شد.»

د- پیامبر با ذکر قاعده‌ای حقوقی، نجرانیان را از پرداخت خون بهای خون‌هایی که در جاهلیت ریخته‌اند معاف می‌کند: «و بر ایشان هیچ گونه تعهدی به پرداخت خون بهای خون‌هایی که در جاهلیت ریخته شده است نخواهد بود.»

ه- پیامبر، اساسی‌ترین حقوق سیاسی یک ملت، یعنی حق زندگی در سرزمین خود، همراه با بهره‌مندی از امنیت را در مورد نجرانیان تعهد و تضمین می‌نماید: «آنان را از سرزمین خود تبعید نخواهند کرد و از آنان یک دهم گرفته نمی‌شود و سرزمین ایشان پایکوب نخواهد شد و لشکر به آن کشیده نمی‌شود. هر کس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال عدالت و بدون اینکه بر آنان ستم شود یا ستم کننده باشند، بررسی خواهد شد.»

در پایان این پیمان نامه، شرایطی برای تداوم و استحکام این پیمان نامه ذکر شده که گرچه به ظاهر شرط است؛ اما در اصل تأکید بر اهمیت اصولی و حیانی و عقلانی است که در متن اعتقادات مسیحیان نیز وجود دارد: «از این پس و در آینده، هر کس رباخواری کند ذمه و عهد من از او برداشته است و هیچ کس را به گناه دیگری مؤاخذه نخواهند کرد. بر آنچه در این عهدنامه است جوار خدا و ذمه‌ی محمد رسول خدا حکم فرما است تا هنگامی که

ایشان خیراندیش و نیکوکار باشند و کار خود را با ستم، سنگین نکنند و تا هنگامی که خداوند فرمان خود را در این باره ابلاغ فرماید.»

با توجه به اینکه در آموزه‌های مسیحیت نیز این شرایط به عنوان معیارهای درستکاری مسیحیان مورد تأکید قرار گرفته است؛ نمی‌توان آن را به مفهوم تحمیل ارزش‌های مورد اعتقاد پیامبر بر مسیحیان تفسیر کرد؛ بلکه برعکس، آنچه از نیکوکاری و خیراندیشی در پایان پیمان نامه و به منظور لازم الاجرا بودن آن ذکر شده است، دلیل دیگری بر غایت رعایت حقوق بشر در جامعه‌ی انسانی است؛ زیرا نیکوکاری و درست رفتاری و خودداری از رباخواری و ستم پیشگی، ضامن رعایت حقوق و اجرای حدود در جوامع انسانی است.

پانوشتها :

1- در شماره‌ی این مکتوبات میان اندیشمندان و مورخان اختلاف وجود دارد. صاحب «مکاتیب الرسول» 185 نامه و دکتور حمیدالله در «وثائق» 246 نامه و پیمان نامه ذکر می‌کنند.

2- قرآن مجید، سوره‌ی آل عمران آیه‌ی 64

3- برای آشنایی بیشتر با جریان مباحله، به تفسیر آیه‌ی مباحله (آیه‌ی 61 آل عمران) در تفاسیر مختلف و همچنین کتب سیره و سنت رسول گرامی اسلام مراجعه شود.

4- مجموعه الوثائق السیاسیه، دکتور محمد حمیدالله، ص 135

نوشته شده توسط سید زکر یا راحل در پنجشنبه 9 تیر 1390